

خواسته‌های صنعت پسته کشور از

دولت جدید

دولت در ایران از گذشته‌ای دور تاکنون سیاست‌های بی‌باکانه و تهی از اندیشه‌ای را اتخاذ کرده که همواره سدی پولادین در مقابل رونق تولید در کشور بوده‌اند. نمونه بارز این سیاست‌ها، سرکوب نرخ ارز با دلارهای نفتی، توزیع یارانه‌های پیدا و پنهان آنهم به‌صورت کاملاً ناعادلانه و نقض حقوق مالکیت هستند.

اتخاذ این سیاست‌ها از این جهت بی‌باکانه به‌نظر می‌رسند که هر یک از آنها عواقب پیچیده و گاهاً غیرقابل برگشتی را برای جامعه ایرانی در پی داشته‌اند. بنابراین، خیلی جای تعجب است که دولت چگونه چنین بی‌باکانه این راه خطرناک را در اداره کشور در پیش گرفته است!

این حقیقت که سیاست‌های دولتی در ایران با عقلانیت سازگاری ندارند، بیشتر به یک راز شبیه است! جالب اینکه، دولت‌های مختلف آمده و رفته‌اند، اما سیاست‌های بسیار مشابهی اتخاذ و با شجاعتِ تمام اجرا کرده‌اند و به‌نظر نمی‌رسد دولت‌مردان نظرات و استدلال‌های مختلف در مورد آثار این تصمیمات بر حوزه تولید را نشنیده و بررسی نکرده‌باشند.

شوربختی اینجاست که تاکنون دیده نشده هیچ دولت‌مرد تراز اولی پرده از این راز بردارد و بگوید نفحات نفت موجب توهم شده و لذت حاصل از نشئگی آن، کالبد اقتصادی-سیاسی کشور را در دام اعتیاد به بی‌باکی و بی‌فکری انداخته‌است.

ریشه این اعتیاد از دهه ۵۰ شمسی در پی هوس‌بازی دولت شاه در

سرازیر کردن درآمد حاصل از فروش گنج باد آورده نفت به اقتصاد کشور، جوانه زد. پس از آن، ریشه دوانی این بلای خانمانسوز یک رفاه تصنعی را برای مردم ایران- بدون اینکه تولید چشمگیری صورت بگیرد- به ارمغان آورد و این‌گونه بود که منطق کل جامعه در حوزه رونق تولید را به کام خود کشید. پس از انقلاب تا امروز نیز این روند ادامه یافته و عواید فروش گنج نفت، اقتصاد مبتنی بر تولید در کشور را هر روز نحیف و تکیده‌تر و گردن رانت‌خواران حلقه زده به دور حکومت را کلفت‌تر کرده‌است.

چندی پیش اما انتخابات ریاست جمهوری ایران برگزار شد و در این بین برخی معتقدند که با یکدست شدن قوای سه‌گانه آینده‌ای امیدوارکننده در انتظار جامعه ایران خواهدبود. این امیدواری درحدی است که تغییر رویکردها و سیاست‌ها در زدودن سم وابستگی به گنج نفت از پیکره اقتصاد کشور را نیز دربر می‌گیرد.

اما آیا واقعاً اتفاق مبارکی در زمینه این رویکردها و سیاست‌ها رخ خواهدداد؟ در پاسخ به این سوال، باید نقش سیاست‌های مهم ضد تولید و علائم آن که اضمحلال اقتصاد کشور را رقم زده‌اند یادآور شد. بدیهی است که استنکاف و برائت جستن از ادامه یافتن این سیاست‌ها مساوی با تغییر رویکردها در جهت مثبت است.

۱- دلارهای نفتی و گازی سرازیرشده در بازار و سپرده شده به دست باد، موجب سرکوب تولید می‌شوند به‌نحوی که تولیدات داخلی یارای رقابت با کالاهای وارداتی را نداشته و این سیاست ضمن اشتغالزایی برای کارگران در خارج از کشور، تولیدکننده داخلی را به دره ورشکستگی کشانده و نتیجتاً کارگر هموطن را به عارضه منحوس بیکاری دچار می‌کند.

۲- یارانه‌های لذیذ گاز و برق که با بی‌عدالتی هر چه تمام‌تر توزیع شده‌اند، برای صاحبان صنایع رانت‌خوار مانند: پتروشیمی، فولاد یا مزارع بیت‌کوین توهم سود و بهره‌وری بالا و متعاقباً فساد و شکاف طبقاتی عمیقی را پدید آورده‌اند. در این شرایط، اعوجاج قیمت تمام شده که باید معیار تشخیص مقرون به‌صرفه بودن کارها باشد، راه تشخیص مزیت نسبی کشور در صنایع و کسب و کارها را مسدود کرده‌است. واضحاً قابل مشاهده است صنایعی که بدون یارانه‌های هنگفت گاز و برق توجیه اقتصادی ندارند مثل: فولاد احیای مستقیم، پتروشیمی یا مزارع بیت کوین در حال فعالیت هستند و باغاتی با برداشت ۲۰۰ کیلوگرم پسته در سال از حیز انتفاع خارج نشده‌اند. از این رو، اثر این یارانه روی اتلاف منابع کشور و پایین بودن بهره‌وری نیز کاملاً مشهود است.

۳- نهاد مالکیت با حمله ارکان مختلف حاکمیت به اشکال مختلف متزلزل شده و انگیزه‌ها برای تولید از بین رفته است. این در حالی است که یکی از نشانه‌های احترام به حقوق مالکیت، به رسمیت شناختن آزادی مبادله است. از مصادیق اخیر بی‌احترامی به حقوق مالکیت خصوصی در صنعت پسته، می‌توان به جلوگیری از مبادله آزادانه ارز (وضع مقررات پیمان ارزی) و آب اشاره نمود. شق قوی‌تر حمله به نهاد مالکیت، مصادره اموالی مثل آب و زمین است. چنانچه این حق محترم شناخته نشود، پیشرفت اقتصادی کشور به دلیل فرار سرمایه، از بین رفتن انگیزه تولید و همچنین استفاده غیربهینه از منابع، سرابی بیش نخواهد بود. مصادره آب توسط وزارت نیرو از طریق کاهش آمرانه لیتراژ پروانه‌ها و همچنین کشیدن خط بطلان بر اسناد مالکیت زمین توسط اداره منابع طبیعی از نمونه‌های سلب مالکیت هستند.

تغییر این رویکردها و حرکت در ریل‌گذاری جدید نیازمند از خودگذشتگی و تدبیر است و خصوصاً به‌نظر نمی‌رسد متقاعد کردن ما- ۸۰ میلیون نفر ایرانی معتاد به عواید حاصل از فروش نفت و گاز- که آینده کشور و فرزندان خودمان را به بهای ناچیزی فروخته‌ایم، کار ساده‌ای باشد. اما امید آن می‌رود که با تنظیم کلیه سیاست‌های حاکمیتی بر مدار رونق تولید کالا و خدمات، شاهد آبادانی و پیشرفت ایران عزیز باشیم.